

طنز در آثار منوچهر احترامی

سمیرا علی میرزایی (نویسنده مسئول)، کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور شهرکرد

(s.alimirzaee69@gmail.com)

حمید رضایی، دانشیار، دانشگاه دانشگاه پیام نور شهرکرد

(faanid2003@yahoo.com)

چکیده

طنز یکی از گونه های ادبی است که برخی از نویسندگان و شاعران آن را برای بیان آرا و عقاید خود و ارتباط با مخاطبان بر می گزینند. منوچهر احترامی یکی از نویسندگان طنزپردازی است که بسیاری از آثارش در حیطه ادبیات کودکان و نوجوانان است. داستان های طنز احترامی بیشتر برگرفته از واقعیت های جامعه با درون مایه های اجتماعی است که در آن با دیدگاهی انتقادی اما ملایم، به بازتاب مسائل و مشکلات اجتماعی می پردازد. او در داستان های طنزآمیزش از انواع تکنیک های طنز استفاده می کند که بیانگر تسلط وی بر شیوه ها و الگوهای رایج طنزپردازی است. منوچهر احترامی در آثار خود پند و اندرزها را با زبانی طنز آمیز بیان میکند. زبان احترامی نرم، دلنشین و ملایم برای خوانندگان است. در این پژوهش به بررسی طنز در آثار منوچهر احترامی پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: تکنیک های طنز، منوچهر احترامی، کودکان و نوجوانان.

مقدمه

در زندگی روزمره در تماس و ارتباط با جامعه و مردم هستیم. در این میان مسائلی را میبینیم که ما را به خنده و میدارد و این خنده گاه حاصل آن شادی و گاهی غم است. چون حاصلی جز غم و اندوه نداشته باشد این خنده را خنده تلخ و تامل برانگیز مینامیم. در تمامی دنیا وقتی که ما انسانها خوشحالیم میخندیم. انسان شناسان شاهد این واقعیت بوده اند که خنده یکی از جهانی ترین و مشخص ترین احساسات هر انسان است. از هر فاصله ای میتوان به وضوح لبخند را بر روی صورت هر شخصی باز شناخت و این در حالیست که هیچ احساسی را در انسان نمیتوان به آسانی تشخیص داد (سلیمانی، ۱۳۹۱: ۷).

طنز در اصطلاح، هنری است که انسان در تلاش برای دگرگون ساختن جهان به دست می آورد و همیشه به شکل کنش و واکنش و در نتیجه نگاه وی به محیط واقعیت نمود پیدا می کند و هدف آن تنبّه و توجه دادن فرد یا جامعه به عیب ها و فسادهای خود، تحقیر و کوبیدن رذایل اخلاقی فردی و اجتماعی، رشد دادن فضیلت های اخلاقی فردی و اجتماعی و در یک کلام، تزکیه، تهذیب، اصلاح و به تکامل رساندن فرد و اجتماع است این لطیفه بیانی که در مطالعه آثار به گونه طنز رخ داده و قرن ها دیده و دل انسان ها را به خود مشغول دانسته است ترکیبی از آفرینش و پویایی تفکر و دقت در کاستی ها و ضعف های بشری و هنرهایی است که می تواند به گونه ای نیش حقایق تلخ را با نوش دوری شوخ طبعی در جان افراد فرو کند و بی آنکه با مقاومت و ستیزی همراه باشد، حکمت و مصلحت و نقد مصلحانه را در عرصه جامعه بپراکند (افشاری راد، ۱۳۹۳: ۱۲). یکی از کسانی که اشعار آن در

حریری از خیال و اوهام ماوراء الطبیعه پیچیده نمی شود و سوار بر قالیچه جادویی به سرزمین رویاها پرواز نمی کند، منوچهر احترامی است.

مفهوم طنز

در ادبیات، طنز به نوع خاصی از آثار منظوم یا مثنوی ادبی گفته می شود که اشتباهات یا جنبه های نامطلوب رفتار بشری، فسادهای اجتماعی و سیاسی یا حتی تفکرات فلسفی را به شیوه ای خنده دار به چالش می کشد (جوادی، ۱۳۸۴: ۴).

رویکردهای طنز کودکان و نوجوانان

با توجه به اینکه طنز کودکان و نوجوانان از سه رویکرد سرگرمی، تعلیمی و آموزش تفکر انتقادی پیروی میکند؛ مطالعات و بررسی های داستانهای احترامی نشان میدهد که تمامی داستانهای احترامی از رویکرد سرگرمی و فکاهی برخوردارند. در رویکرد سرگرمی هدف نویسنده سرگرم کردن مخاطب است. احترامی با انتخاب عنوان طنز مشخص می کند که مخاطب با داستانی شاد و سرگرم کننده روبروست.

رویکرد تعلیمی

تمام داستانهای احترامی دارای رویکرد تعلیمی هستند. در رویکرد تعلیمی هدف آموزش نکته ای اخلاقی یا بهداشتی و ... است. مثلاً در شعر «حسنی نگو به دسته گل»، هدف نویسنده آموزش نظم و انضباط بوده است. نویسنده در این داستان حسنی که پسری بی نظم است و به خاطر بی نظم بودنش دیگران از او دور میشوند را هدف قرار داده است. در داستان «حسنی ما به بره داشت» نویسنده از رویکرد تعلیمی (مسخره نکردن دیگران) بهره برده است. در داستان می خوانیم که حسنی بره ای داشته که مورد تمسخر دوستان حسنی قرار میگرفته است. و پس از طی ماجراهایی مادر حسنی از پوست و پشم بره لباس زیبایی برای حسنی میدوزد و حسنی با پوشیدن لباس در بین دوستانش احساس غرور میکند. هدف نویسنده در این داستان به لحاظ رویکرد تعلیمی، مسخره نکردن دیگران و به قول ضرب المثل معروف (هر چیزی به خار آید وقت تنگ به کار آید است).

رویکرد تفکر انتقادی

هدف از این رویکرد به تفکر و داشتن کودکان است. در داستان حسنی نگو به دسته گل، نویسنده از رویکرد تفکر انتقادی نیز بهره گرفته است. چرا که یکی از اهداف تفکر انتقادی پروراندن خصوصیات پرسشگری و کنجکاوی در مخاطب است و در این داستان مخاطب به دنبال این است که چرا نباید حیوانات و پرنده ها با حسنی دوست بشوند؟ و همین نکته باعث میشود مخاطب کودک به تفکر پردازد (سلیمانی، ۱۳۹۱: ۲۳).

در داستان ده تا جوجه رفتن تو کوچه در این اثر آموزش تفکر انتقادی نیز داده شده است. چرا که وقتی یکی از جوجه ها گم میشود یا قایم میشود کودک به تفکر فرو میرود که از ده تا جوجه یکیشون گم شد و یکی را هم گم خورد پس الان چند جوجه باقی مانده است. و در اینجا است که نویسنده از رویکرد تفکر انتقادی نیز بهره برده است. یا در داستان کرم ابریشم در این اثر مخاطب کودک به روشنی به تفکر وادار میشود. تفکر راجع به اینکه چرا کرم ابریشم گم شد و چطور یکدفعه بال در آورد و به پروانه تبدیل شد.

طنز و چارچوب نظری آن

طنز از دیدگاه موضوع و محتوا به ۸ دسته تقسیم میشود:

طنز اجتماعی، طنز سیاسی، طنز تاریخی، طنز مذهبی و عارفانه، فلسفی، تمثیلی، سیاه و تلخ و سفید و شیرین. که محتوای طنز آثار منوچهر احترامی از نوع اجتماعی و سفید و شیرین می باشد که در اینجا توضیح مختصری راجع به آنها آمده است:

طنز اجتماعی: یکی از شیوه های طنز است که به رابطه ی میان گروه ها، و طبقات مختلف اجتماع و هم چنین تعارض و تقابل سنتهای قدیم و جدید و تأثیری که بر رفتار گروه های مختلف اجتماع می گذارند از نگاه طنز می پردازد، در این نوع طنز که نشان دهنده ی عدم موافقت نویسنده با اوضاع حاکم بر اجتماع است. طنزنویس به طور غیرمستقیم از عادات و عقاید نامطلوب اجتماع پرده برمی دارد و با به مسخره گرفتن آداب و رسوم موجود در جامعه از آنها انتقاد و بدین شیوه آنها را محکوم می کند، با این هدف که ناهنجاری های اخلاقی و نابسامانی های جامعه اصلاح شود (شادروش منش، ۱۳۸۴). طنز درباره دردهای بشر است و طنز واقعی واقعیت دارد. واقعیت نیز با اینکه ممکن است خواننده را راحت بگذارد اما حتما کمی هم او را میجزاند (همان منبع: ۳۱). تمامی داستانها و آثار احترامی از نوع طنز اجتماعی و اخلاقی است. چرا که به دنبال آموزش نکته ای اخلاقی و موقعیتی اجتماعی (خانواده یا جامعه) هستند.

طنز شیرین یا سفید: این نوع از طنز براساس نظریه ی هوراس شاعر رومی است، براساس یک بینش انسان ذاتاً موجودی پاک سرشت و نیک خواه است، اما به دلایلی بسیار، فطرت پاک خود را از یاد می برد، در این نوع طنز نویسنده با بزرگ نمایی کردن زشتی ها و بدی ها انسان را از غفلت آگاه می کند او را در مسیر درست راهنمایی می کند. در طنز شیرین نویسنده سعی می کند با برجسته کردن بدی ها انسان را از غفلت درآورد و نیکی فطریش را به او یادآور شود. این نوع طنز ملایم، مؤدب و تا حدود زیادی اغماضگر است و از حاکمان انتقاد نمی کند، خنده ی ناشی از آن بیشتر از سر دلسوزی است تا تحقیر و تمسخر و نویسنده سعی می کند در کارش نتیجه ای اخلاقی داشته باشد (همان منبع: ۴۱). احترامی در تمام آثار خود از زاویه دید سفید و شیرین به داستان و موضوع می نگرد.

تکنیک های طنز

تکنیکهای طنز نیز به سه دسته: تکنیکهای مبتنی بر کاربرد زبان، تکنیکهای مبتنی بر محتوای زبان و تکنیکهای تخیل محور تقسیم میشوند.

تکنیکهای مبتنی بر کاربرد زبان

این دسته از تکنیک ها که بر کاربرد خود زبان استوار است. تکنیکهایی است که بر دو یا چند معنایی بودن زبان تکیه دارد. در واقع نقش دوگانه زبان یا دو معنایی از جمله مهمترین مولفه های گفتمان طنز یا شوخ طبعی به شمار می آید. که از جمله مهمترین واژگانی که در گفتمان متعارف و ادبی به دو یا چند معنایی اشاره دارند و به هنگام انتقال به زبان دیگر خود را ترجمه ناپذیر نشان میدهند عبارتند: از ابهام، جناس و بازیهای کلامی، کنایه و طعنه. ابهام: ابهام یعنی آوردن واژه ای با حداقل دو معنی که یکی نزدیک به ذهن و دیگری دور از ذهن باشد و مقصود شاعر معمولاً معنی دور و گاهی هر دو معنی است (همان منبع: ۶۱).

جناس: جناس یکسانی و همسانی دو یا چند واژه در واجهای سازنده را گویند، اگر معنی متفاوتی داشته باشند. در دو کلمه هم جنس گاه جز معنی هیچ گونه تفاوتی ندارند و گاه علاوه بر معنی، در یک مصوت یا صامت با هم متفاوت اند. ارزش جناس به موسیقی و آهنگی است که در سخن می آفریند و زیبایی جناس در گرو پیوندی است که با معنی سخن دارد. جناس در شعر و نیز در نثر به کار می رود. جناس تام یکسانی دو واژه در تعداد و ترتیب واجهاست (همان منبع). (جناس جابجایی حروف یک کلمه یا تغییر کلمه است). جناس یکسانی و همسانی دو یا چند واژه در واجهای سازنده را گویند، اگر معنی متفاوتی داشته باشند. در دو کلمه هم جنس گاه جز معنی هیچ گونه تفاوتی ندارند و گاه علاوه بر معنی، در یک مصوت یا صامت با هم متفاوت اند. ارزش جناس به موسیقی و آهنگی

است که در سخن می‌آفریند و زیبایی جناس در گرو پیوندی است که با معنی سخن دارد. جناس در شعر و نیز در نثر به کار می‌رود. جناس تام یک‌سانی دو واژه در تعداد و ترتیب واج‌هاست؛ جناس تام بر موسیقی درونی مصراع یا جمله می‌افزاید (همان منبع). مثلاً در داستان حسنی و گرگ ناقلا صنعت جناس زیاد به چشم می‌خورد: من دیدم از کجا اومد- از توی جنگلا اومد- از میون دره اومد- به دنبال بره اومد. که صنعت جناس را در بکار بردن دو کلمه بره و دره و در جایی دیگر کلمات بیداره و شکاره - مشتم و کشتم: یکهو دیدی با مشتم- گرگه را در جا کشتم. بارون میاد جر جر جر - روی زمین تر تر تر. در داستان گربه من نازنازیه همش به فکر بازیه: ساکت و اروم میشینه- فیلمهای کارتن میبینه- یا: آسه میاد- آسه میره. و ...

بازیهای کلامی: در داستان طنز، آموزشهای کلاسیک داستان نویسی رنگ می‌بازند. چرا که طنز، عرصه ممکن ساختن ناممکن‌هاست. در طنز، شما مجازید که قالبهای ممنوع در داستان نویسی را به کار بگیرید و مخاطب را با خود در لذت این ورود به حریمهای ممنوعه شریک سازید! می‌توانید کار را یکسره در قالب زبان خشک و غیر منعطف و غیر داستانی اداری بنویسید، از غلط نویسی عمدی استفاده کنید، زبان گزارشی به اثر بدهید و جا به جا، حکم های کلی صادر کنید. به سبک و سیاق انشاهای دوره دبستان، توصیفات شدید و غلیظ به کار ببرید. می‌توانید اثر را در قالب مقاله های مستند و مستقیم بنویسید. می‌توانید وقایع جزئی و کلی مربوط به خودتان را بی هیچ تخیل و تکنیک روایی به قلم بکشید، کارهایی که در کلاسهای داستان نویسی، پیوسته شما را از آن برحذر می‌دارند. آن وقت از این همه غلط نویسی تعمدی غرق در لذت شوید و مخاطب را هم در این لذت شریک کنید! البته از فرمان های طنزنویسی هم غافل نشوید. چرا که برای گذر از تجربه های دیگران و آزمودن افقهای تازه، لازم است که ابتدا بر شگردهای آزموده شده که حاصل قرنها و قرنهای بزرگان طنز ادبیات فارسی است مسلط شوید. در نهایت خدا را چه دیده اید، شاید با آفرینش اثرتان، شگردی بر این شگردها افزودید (همان منبع: ۵۵). بازیهای زبانی بیانی و بازی با کلمات در اکثر داستانهای احترامی زیاد وجود دارد: مثلاً در داستان دویدم و دویدم بازیهای زبانی بیانی: دویدم و دویدم تا به کوهی رسیدم دو تا خاتونا دیدم یکیش به من آب داد یکیش به من نون داد....

تکنیکهای مبتنی بر محتوای زبان (موقعیت محور، شخصیت محور و تخیل محور)

دومین دسته عمده تکنیکهای طنز به کار رفته در این داستانها تکنیکهایی هستند که بر محتوای زبان دلالت دارند. این تکنیکها بیشتر بر خلق موقعیت ها و عمل داستانی استوارند و از انجایی که به جای کاربرد و یا فرم زبان به محتوای زبان وابسته اند به سهولت بیشتری میتوان ان را به زبانهای دیگر ترجمه کرد. این دسته از تکنیکهای خلق طنز را میتوان به سه گروه تکنیکهای موقعیت محور، شخصیت محور و تخیل محور تقسیم کرد (همان منبع: ۵۹).

غافلگیری: یک گره گشایی غافلگیر کننده و تکان دهنده، قوی ترین گزینه برای بخش پایانی داستان طنز شماست. تعجب، موتور خنده است و در داستان طنز این تعجب در غافلگیری نهایی به اوج خود می‌رسد. آخرین جمله داستان طنز، باید به ذهن مخاطب ضربه بزند و او را غافلگیر کند. منوچهر احترامی غافلگیری در موضوع را عاملی برای ایجاد طنز یاد می‌کند و میگوید: فردوسی برخلاف سعدی و حافظ که به نوعی در زندگی روزمره مردم سیر می‌کنند و آدمهای قصه های آنها معمولی هستند و مخاطب نیز با فضای آنها آشنا است، تنها در ابیات معدودی از زندگی خودش یا در بخش گزارشی شاهنامه (بعد از قصه رستم شاهنامه جنبه حماسه سرایی خود را از دست می‌دهد و بیشتر جنبه گزارشی پیدا می‌کند) به زندگی عادی آدمها می‌پردازد و در این قسمتها غالباً مخاطب لذتی را که از بخشهای حماسه ای برده است نمی‌برد (همان منبع: ۶۷).

تکرار: شگرد تکرار در بیشتر آثار و داستانهای احترامی وجود دارد: در داستانهای زیر شگردهای تکرار که در سرتاسر داستان تکرار شده و خود باعث ایجاد خنده در داستان گردیده مشخص شده است: مثلاً در قصه عروسی خاله سوسکه و آقا موشه شگرد تکرار کلمه (مبارکه مبارکه و این اقا موشه موش موشکه انبونه دوشک طوق طلا به

گردنش قبای اطلس به تنش آیا بخواد آیا نخواد.)، در داستان قصه خرس و کوزه عسل (ویز ویز ویز- بچه ها عسل بچه ها عسل)، در داستان حسنی و سه بزغاله (حسنی مایه خاله داشت خالاش سه تا بزغاله داشت) و... کنایه: داستان بدون کنایه مانند نقاشی بدون بعد است. کنایه تناقض زندگی روزمره ما را برملا میکند. تناقض همه ان حقایق نیم بند، نیرنگ ها و خود فریبی هایی که با انها روزمان را شب میکنیم. و اساس کنایه طنز امیز در همین تناقض یا عدم تناسب بین زندگی واقعی و ان نوع از زندگی است که ما فکر میکنیم باید باشد (همان منبع). در داستان حسنی نگو یه دسته گل، نویسنده از کنایه نیز استفاده کرده است. به حسنی به شکل غیر مستقیم کنایه فردی تنبل زده میشود و اینکه وقتی مخاطب هم فردی تنبل مانند حسنی باشد دیگران از او دور میشوند.

اغراق (بزرگ نمایی): این صنعت در اکثر هنرها وجود دارد اما در طنز حضور آن بسیار مؤثر است. مبالغه و اغراق از ابزارهای طنزنویس برای نقد و انتقاد اجتماعی یا فردی است. همچنین این ابزار تعجب و خنده مخاطب را برمی انگیزد و او را به سوی واقعیتی که درباره آن مبالغه شده است، توجه و تنبه می دهد. اغراق و مبالغه در مسائل جدی پذیرفتنی نیست اما در طنز خواننده آن را می پذیرد چون می داند که منظور دیگری در کار است (همان منبع). از شگرد بزرگنمایی نیز در برخی از داستانهای احترامی استفاده شده است: مثلا در داستان عروسی خاله سوسکه و اقا موشه (شخصیت اصلی داستان که موش و خاله سوسکه است را نویسنده بزرگ کرده و تمام تمرکز داستان را بر این دو شخصیت قرار داده است). در داستان موش موشی (موش موشی را که شخصیت اصلی داستان است نویسنده در مورد اینکه موش موشی به حرف دیگران گوش نمیداده بزرگ جلوه داده است).

وارونه سازی: از رایج ترین شیوه های طنز و مطایبه، وارونه و معکوس بیان کردن مفاهیم است. مثلاً زشتی ها و رذایل اخلاقی و اجتماعی مورد ستایش و قابل تقلید و برعکس، فضایل اخلاقی و دینی و اجتماعی زشت و شایسته سرزنش شمرده می شوند.

انعطاف ناپذیری: یکی از عوامل ایجاد موقعیت طنز، انعطاف ناپذیری شخصیتهاست. برگسون معتقد است: «کمیک جنبه ای از انسان است که از آن نظر همانند یک شیء می شود؛ وجهی از رخدادهای انسانی است که انعطاف ناپذیری ویژه ای دارد؛ عملی ساده، غیر ارادی و خود به خودی که در واقع تقلیدی از حرکت بدون حیات است. بنابراین نمایانگر یک نقضی اجتماعی است که تصحیح فوری آن ضرورت دارد». به نظر برگسون در واقع راز کمی بودن برخی از شخصیتهای طنز، انعطاف ناپذیری و خشک رفتاری آنان است که آنها را تا حد یک ماشین بی روح و مکانیکی تنزل میدهد. البته بخشی از این انعطاف ناپذیری به شخصیت اجتماعی و حرفهای افراد برمیگردد که آزادیهای فردی و رفتاری آنها را تا حد اعمال مکانیکی و تکراری یک ماشین محدود می کند. معمولا تمامی شخصیت های داستانهای احترامی از انعطاف پذیری خوبی برخوردارند.

تشبیه به حیوانات: بسیاری از نویسندگان و شاعران طنزگو برای بیان مقاصد خود از جهان جانوران و صفات و حرکات آنها سود جسته اند. و این امر دو علت عمده داشته است: نخست این که با گفتار صریح یا بدگویی، ریشخند مستقیم بزرگان و فرمانروایان را کاری ناممکن می دیده اند. دوم این که آنان با تشبیه کردن قربانیان خود به حیوانات - که جز خوردن و زیستن و خوابیدن و بچه آوردن کاری نمی توانند - آنها را از آسمان رفعت و شأن خیالی خودشان فرو می کشیدند، و با لحنی انتقادی و طنزآمیز رجال و بزرگان را اگر دارای صفات نفسانی و حیوانی برجسته ای بوده اند، به حیوانی که در آن صفت، سرآمد است تشبیه می کرده اند. مثلا تن پروری و تنبلی آنان را به خوک و مکاری و پنهان کاری را به روباه و حماقت را به خرس و درندگی را به گرگ و... عطار در منطق الطیر جغد را نماد ثروتمندان خسیسی معرفی می کند که با وجود گنج و اندوخته فراوان همیشه در ویرانه منزل می کنند و سودی از دنیا نمی برند و یا بط را نماد افراد متدینی می داند که سجاده بر آب می گسترانند، ولی با اصل مذهب کاری ندارند. البته این تحقیر و کوچک کردن گاه به سطح نازل تر از جهان حیوانات یعنی به جهان گیاهان و اشیاء نیز می رسد.

اغلب متن‌های تمثیلی چون کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه، منطق‌الطیر، قلعه‌ی حیوانات و ده‌ها اثر ادبی دیگر از این نوع هستند (شفایی، ۱۳۸۸: ۱۱).

کوچک‌نمایی: تحقیر هرآنچه که مورد انتقاد قرار گرفته است ولی از مهم‌ترین روش‌ها در انواع شوخ طبعی است. البته حضور و شدت این عامل در هجو بیشتر است و حتی به بدزبانی و دشنام‌های زشت نیز می‌انجامد. در این روش، طنزنویس قربانی خود را از لحاظ جسمی و معنوی کوچک جلوه می‌دهد و وی را از تمام تصنعات ساختگی عریان می‌سازد و بی‌آن همه او را در منظر دید خوانندگان می‌نشانند تا ببینند و داوری کنند که آنچه آن‌ها درباره او می‌اندیشیدند جز خیال واهی یا برآمده از خوش‌باوری و فریفتگی آن‌ها و مردم فریبی قربانی او، پایه دیگری نداشته است. کوچک‌نمایی یکی از قالب‌های طنز نویسی است. از شگرد تحقیر در تعداد اندکی از داستان‌های احترامی استفاده شده است: در داستان حسنی و سه بزغاله (نویسنده حسنی را به خاطر مسئولیت پذیر نبودنش مورد تحقیر قرار میدهد و از شگرد کوچک‌نمایی استفاده میکند) و در داستان حسنی نگو یه دسته گل نویسنده (حسنی را به خاطر بی‌نظم بودن و آشفته بودن وضعیت جسمانی او در نزد دوستانش مورد تحقیر قرار داده است).

جدول ۱: شیوه‌ها و شگردهای طنز استفاده شده در داستان‌های منوچهر احترامی

ردیف عنوان داستان شیوه‌ها و شگردهای طنز مورد استفاده در داستان‌های منوچهر احترامی

- ۱ حسنی نگو یه دسته گل استعاره ریشخندیده - تکرار - کنایه - بازیهای زبانی بیانی - بزرگ‌نمایی - موقعیت طنز امیز - تشبیه و مقایسه
- ۲ حسنی ما یه بره داشت موقعیت طنز امیز - استعاره ریشخندیده - بازیهای زبانی بیانی بدیهی گویی - کنایه
- ۳ ده تا جوجه رفتن تو کوچه بازیهای زبانی بیانی - تکرار - مقایسه - استعاره ریشخندیده
- ۴ خروس نگو یه ساعت بزرگ‌نمایی - استعاره ریشخندیده - موقعیت طنز امیز
- ۵ موش دم بریده تکرار - کنایه - استعاره ریشخندیده - موقعیت طنز امیز - کوچک‌نمایی - بازیهای زبانی بیانی
- ۶ کرم ابریشم استعاره ریشخندیده - تشبیه و مقایسه
- ۷ مهمانهای ناخوانده موقعیت طنز امیز - بزرگ‌نمایی - تشبیه و مقایسه
- ۸ دزده و مرغ فلفلی استعاره ریشخندیده - کنایه - بازیهای زبانی بیانی - موقعیت طنز امیز - تشبیه و مقایسه
- ۹ حسنی و دزد ناقلا استعاره ریشخندیده - بزرگ‌نمایی - موقعیت طنز امیز - تشبیه و مقایسه
- ۱۰ فیل او مد آب بخوره استعاره ریشخندیده - کنایه - بازیهای زبانی بیانی - بزرگ‌نمایی - موقعیت طنز امیز - تشبیه و مقایسه
- ۱۱ موش موشی استعاره ریشخندیده - بازیهای زبانی بیانی - کوچک‌نمایی - موقعیت طنز امیز -
- ۱۲ گربه من ناز نازیه همش به فکر بازیه استعاره ریشخندیده - تکرار - بازیهای زبانی بیانی - موقعیت طنز امیز -
- ۱۳ حسنی و سه بزغاله استعاره ریشخندیده - بزرگ‌نمایی - تشبیه و مقایسه
- ۱۴ خرس و کوزه عسل استعاره ریشخندیده - بازیهای زبانی بیانی - بزرگ‌نمایی - موقعیت طنز امیز -
- ۱۵ عروسی خاله سوسکه و اقا موشه استعاره ریشخندیده - تکرار - کنایه - بازیهای زبانی بیانی - موقعیت طنز امیز - تشبیه و مقایسه
- ۱۶ دویدم و دویدم استعاره ریشخندیده - تکرار - بازیهای زبانی بیانی - موقعیت طنز امیز -

چرخش طنز: شگرد چرخش طنز تنها در داستان موش موشی دیده میشود. زمانی که موش برای دوختن دمبش به دنبال نخ و سوزن میرود. اول پیش خاتون میرود. خاتون میگوید من نخ و سوزن ندارم. برو به پینه دوز بگو تا دمت

را بدوزد. موش پیش پینه دوز می‌رود و از او خواهش می‌کند که دمبش را بدوزد. پینه دوز می‌گوید نخ ندار. برو از بافنده نخ بگیر بیار تا دمت را بدوزم. موش پیش بافنده می‌رود که نخ بگیره. بافنده میگه گرسنمه و حال رسیدن نخ را ندارم. برو دو تا تخم مرغ بیار تا بخورم چون بگیرم و نخ بریسم. موش پیش مرغه می‌رود تا تخم مرغ بگیره. ولی مرغه می‌گوید من ارزن نداشتم که بخورم و تخم مرغ به تو بدهم. برو از علاف ارزن بگیر بیار تا تخم مرغ بهت بدم. موش پیش علاف می‌رود و درخواست ارزن می‌کند. علاف می‌گوید غریبل ندارم که بهت ارزن بدهم برو از کولی غریبل بگیر بیار تا بهت ارزن بدم. موش دوباره به سراغ کولی می‌رود که غریبل بگیرد ولی کولی می‌گوید پوست بز ندارم که غریبل بدهم. موش پیش بز می‌رود تا به او روده بدهد. ولی بز می‌گوید علاف نداشتم بخورم تا بتوانم بهت روده بدهم. برو به میراب بگو دانه بکاره تا سبز بشه و من علف بخورم تا بهت روده بدهم و... بالاخره بز علف می‌خورد و روده می‌دهد و موش روده را به کولی می‌دهد و غریبل می‌گیرد. غریبل را به علاف می‌دهد و ارزن می‌گیرد. ارزن را به مرغ می‌دهد و تخم مرغ می‌گیرد. و... این مسیر را دوباره طی میکند تا موفق می‌شود نخ به پینه دوز بدهد و پینه دوز دمش را میدوزد.

کاریکاتور: کاریکاتور یا کارتونی نوعی نقاشی است که سوژه دلخواه را به صورت مضحک و خنده آوری ترسیم می‌کند. کاریکاتور تصویر خنده‌داری است که در وجهی مضحک اغراق می‌شود. در این تکنیک با استفاده از اغراق و تحریف در توصیف، برخی ویژگی‌های شخصیتی فرد موردنظر را برجسته و مضحک می‌کند (سلیمانی، ۱۳۹۱: ۷۲). تشبیه مضحک: نوع دیگری از تقلیدهای مضحک که در ادبیات اروپایی رواج زیادی دارد و در ادبیات فارسی نیز به نمونه‌هایی از آن برمی‌خوریم، تشبیه مضحک است و آن نوعی تقلید است که در آن موضوع با اهمیتی را با شیوه‌ای سبک و مسخره بیان می‌کنند. مثلاً عواطفی راستین به صورت احساساتی سخیف بیان می‌شود یا موضوعی جدی به صورت شوخی در می‌آید. همین عدم تناسب بین موضوع و سبک، مشخصه اصلی تشبیه مضحک است که باعث ایجاد طنز می‌شود.

تشخیص و جان بخشیدن: هر گاه صفات انسان را به یک جسم بی جان ربط بدهیم از آرایه تشخیص استفاده کرده‌ایم که در طنز کاربرد فراوان دارد. تشخیص در اصطلاح بیان و نقد ادبی، نسبت دادن صفت‌های انسانی و جاندار به چیزهای بی جان و انتزاعی یا گیاهان است (سلیمانی، ۱۳۹۱: ۴۷).

نتیجه‌گیری

طنز یکی از فروع ادبیات انتقادی و اجتماعی است که در ادبیات کهن فارسی، به عنوان نوع ادبی مستقل شناخته نشده و حدود مشخصی با دیگر مضامین انتقادی و خنده آمیز چون هجو و هزل و مطایبه نداشته است. از واژه طنز، اغلب معنی لغوی آن یعنی مسخره کردن و طعنه زدن مد نظر شاعران و نویسندگان بوده است. منوچهر احترامی در آثارش، طنز را با فراست و بجا به خدمت گرفته است و با به سخره گرفتن مشکلات و کمبودها، محتوا و ساختاری را می‌آفریند که امید و توانستن، قهرمان آن است. احترامی در آثارش، با به کار بردن طنزی که برای کودکان و نوجوانان مناسب است، در کنار نشاط و خنداندن آنها، توانسته است آنها را به تفکر وا دارد. در قصه‌های حسنی با طنز متنوع تر و پرننگ تری روبرو هستیم. طنزی که در آثار دیگر نویسندگان نیز وجود دارد. احترامی از بیشتر شیوه‌های بیان طنز استفاده کرده است اما بزرگ نمایی و کوچک نمایی بیشتر به چشم می‌خورد. احترامی در آثاری چون، توی ده شلمرود از فضای شهری دور می‌شود و فضای روستایی را در قصه‌هایش تجربه می‌کند تا به دنیای کودک و نوجوانان دیروز هم نظر بیفکند. اما همچنان سایه شخصیت‌های قصه‌های پیشین بر این آثار حاکم است. می‌توان به طنز در آثار احترامی از بعد روانکاوانه هم نگریست که به بررسی دیگری نیاز دارد. طنز در قصه‌های احترامی، توان زا و قدرتمند است. احترامی در قصه‌هایش از طنز کمک می‌گیرد و با خلق گفتمانی خاص، نوجوانی اش را بازآفرینی می‌کند؛ نه ضعیف، ناتوان و منزوی.

بنابراین با توجه به آنچه که نمودارها نشان می‌دهد بیشترین شگرد طنز به ترتیب مربوط به: استعاره ریشخند، موقعیت طنز امیز، بزرگ نمایی، بازیهای زبانی و بیانی، تشبیه و مقایسه، کنایه، تکرار، کوچک نمایی، بی معنی گویی، همان گویی، بدیهی گویی، جناس و معکوس بیان کردن معانی و وارونه تعریف نمودن مفاهیم است.

مراجع

احترامی، منوچهر (۱۳۹۰). اگر چخوف نبود. کتاب طنز، تهران: سوره مهر. چاپ اول.
افشاری راد، مرجان (۱۳۹۳). مقاله جای خالی طنز در ادبیات کودک. هفته نامه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی استقامت.

افشار، معصومه (۱۳۹۴). شگردهای طنز آفرینی. مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی، شماره ۴.

جوادی، حسن (۱۳۸۴). تاریخ طنز در ادبیات فارسی. تهران: کاروان، چاپ اول، ص ۱۱.

سلیمانی، محسن (۱۳۹۱). اسرار و ابزار طنز نویسی. تهران: چاپ اندیشه.

شادروی منش، محمد (۱۳۸۴). شیوه ها و شگردهای طنز و مطایبه. ویژه نامه بهار، شماره ۱۳.

شمیسا، سیروس (۱۳۸۶). انواع ادبی. تهران: نشر میترا، چاپ دوم از ویرایش دوم،

شفایی، اعظم (۱۳۸۸). مقایسه طنز در آثار عطار و حدیقه سنایی. پایان نامه ارشد ادبیات فارسی. دانشگاه یاسوج.



انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی